درمکتب امام

آغوش انقلاب باز است اما...

ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروه‌ها و لیبرال‌ها می‌خوریم، آغوش کشور و انقلاب همیشه برای پذیرفتن همه کسانی که قصد خدمت و آهنگ مراجعت داشته و دارند گشوده است ولی نه به قیمت طلبکاری آنان از همه اصول، که چرا مرگ بر آمریکا گفتید! چرا جنگ کردید! چرا نسبت به منافقین و ضدانقلابیون حکم خدا را جاری می کنید؟ چرا شعار نه شرقی و نه غربی داده‌اید؟ چرا لانه جاسوسی را اشغال کرده‌ایم و صدها چرای دیگر.

صحیفه امام؛ ج۲۱؛ ص۲۸۶ | منشور روحانیت؛ ۳ اسفند ۱۳۶۷

نگاه

مراقب نیرنگ خط نفوذ باشیم دشمن در جنگ فرسایشی زانو زد

محمد ایمانی

آنچه در ادامه می‌خوانید، گزارشی از اعترافات محافل عبری و غربی درباره شکست بزرگ رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه است.

تحلیل‌ها می گویند اقتدار ایران، محاسبات اسرائیل برای زدن ضربه غافلگیرانه و پیروزی ظرف چند روز را به هم ریخت. رژیم صهیونیستی هنگامی که یقین کرد در نقشه ایران گرفتار شده و در تله «جنگ فرسایشی» افتاده، دست به دامن آتش‌بس شد.

حالا که نقشه دشمن، مغلوبه شده و ایران، شکست بزرگی را بر او تحمیل کرده، نباید به شبکه نفوذ اجازه داد جنگ فرسایشی شده برای رژیم مستاصل اسرائیل را به جنگ فرسایشی برای ملت ایران تبدیل کند. ابزار این جنگ فرسایشی، تزریق تحلیل‌های تحریف‌آمیز، فشل‌کننده، فلج‌کننده، هراس افکنانه و تفرقه‌انداز به نحوی است که موجب دو دستگی شود. دادن آدرس گمراه‌کننده مذاکره یا ادعای ضرورت تغییر سیاست ایران، عصا گذاشتن زیر بغل دشمن است.

در ادامه، گزارش مستند درباره مغلوبه و فرسایشی شدن جنگ برای رژیم صهیونیستی، و در مقابل، انسجام و اقتدار ملت ایران را مطالعه فرمایید:

-یوسی میلمن تحلیلگر امنیتی رژیم صهیونیستی: موشک‌های شلیک شده از سمت ایران، موشک‌های بالستیک سنگین هستند. برخی از این موشک‌ها سرهای جنگی سنگینی دارند. این، یک جنگ فرسایشی به معنی واقعی کلمه است.

- شبکه ۱۱ اسرائیل: ایران می‌خواهد با ادامه حملات، اسرائیل را وارد یک جنگ فرسایشی کند.

- دنیس سیترونوویچ، رئیس سابق میز ایران در سازمان اطلاعات ارتش اسرائیل: اگر گزارش‌ها درمورد کاهش ذخایر موشک‌های رهگیر درست باشد، اسرائیل باید قبل از اینکه وارد جنگی فرسایشی با زرادخانه محدود شود، جنگ را پایان دهد.

- شبکه ۱۲ عبری: اسرائیل به این نتیجه رسیده که ایران، سیاست خود را به جنگ فرسایشی تغییر داده است. مقامات اسرائیلی می‌گویند جنگ با ایران دارد بیش از تصور اولیه طول می کشد. معلوم نیست راهبرد خروج از ورطه جنگ با ایران چیست؟

- دورون متسا، تحلیلگر صهیونیست: بدترین سناریو برای اسرائیل، جنگ فرسایشی است که ایران در پیش گرفته است. اسرائیل به جنگی کشانده شده که برایش طراحی نکرده است.

- روزنامه هاآرتص: اگر جنگ شهرها ادامه یابد، روز به روز اسرائیلی‌های بیشتری شروع به پرسیدن این سؤال خواهند کرد که آیا زندگی در کشوری که دائماً زیر موشک‌باران است، ارزشش را دارد؟ اسرائیل باید از جنگ فرسایشی با ایران اجتناب کند. باید راه‌حلی پیدا کرد. خطرناک‌ترین سناریوی ممکن برای اسرائیل، جنگ فرسایشی است.

- نتانیاهو در روزهای پایانی جنگ: نمی‌گذاریم که به ورطه یک جنگ فرسایشی کشیده شویم.

- آلون میزراحی تحلیلگر یهودی: تنها چند هفته دیگر جنگ با ایران کافی بود تا فروپاشی کامل نظامی و اجتماعی اسرائیل اتفاق بیفتد. از زمانی که اسرائیل تلاش کرد با ایران درگیر شود، نیروهایش در غزه متحمل شکست‌های سنگینی شده‌اند. سربازان ارتش اسرائیل تا سر حد مرگ ترسیده‌اند و خانواده‌های آنها هم می‌ترسند. اسرائیل بیش از آنچه کسی تصور کند، به فروپاشی نظامی و اجتماعی نزدیک است. تنها چیزی که لازم است، چند هفته دیگر جنگ است.

- روزنامه واشنگتن پست: اگر ایران سطح کنونی حملات موشکی خود را حفظ کند، توانایی دفاع موشکی اسرائیل تنها ۱۰ تا ۱۲ روز دیگر دوام خواهد آورد. ناظران معتقدند که با شدت فعلی، جنگ فرسایشی احتمالا برای اسرائیل امکان‌پذیر نیست.

- روزنامه هاآرتص: اهداف جنگ با ایران دست‌نیافتنی و سرانجام آن نامشخص است. خطرناک‌ترین سناریو، یک جنگ فرسایشی و طولانی است که اسرائیل آمادگی آن را ندارد. علاوه‌بر این، هیچ‌کس مردم را برای مواجهه با تجربه این شب‌ها و تفاوت موشک‌های ایران با شلیک‌ها از غزه و لبنان و یمن آماده نکرده بود. اسرائیلی‌ها به خسارت‌هایی با این حجم و مقیاس عادت ندارند.

- داگلاس مک‌گرگور سرهنگ بازنشسته ارتش آمریکا: وضعیت اسرائیل، بحرانی و بسیار وخیم است؛ حدود یک‌سوم تل‌آویو یا به‌طور کامل تخریب شده یا آسیب جدی دیده است و اسرائیل اکنون در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد؛ تنها چند روز دیگر می‌تواند در برابر حملات موشکی مقاومت کند. افرادی که در داخل اسرائیل هستند، وضعیت را این‌گونه برایم توصیف کرده‌اند: «گنبد آهنین عملاً به یک آبکش تبدیل شده است».

- روزنامه معاریو: لایه‌های پدافندی اسرائیل، آشکارا فروپاشیده و اوضاع طی روزهای آینده وخیم‌تر می‌شود.

- شبکه سی ان ان: موشک‌های ایران به راحتی از سامانه‌های THAAD، پاتریوت، آرو، فلاخن داوود و گنبد آهنین عبور کرده و به اهداف اصابت می‌کند.

- روزنامه یدیعوت آحارانوت: ویرانی‌های تل‌آویو، وحشتناک و دیوانه‌کننده است.

- روزنامه عبری ممون: ساختمان وزارت جنگ (کریاه) در تل‌آویو، در حمله موشکی ایران، مستقیما مورد اصابت قرار گرفت.

- روزنامه یدیعوت آحارانوت به نقل از افسر اسرائیلی: مکان‌هایی که موشک‌های ایرانی اصابت کرده، شبیه میدان جنگ هستند. ویرانی‌هایی که در خیابان‌های تل‌آویو دیدیم، وحشتناک و دیوانه‌کننده است.

- شهردار بئرسبع: موشک‌های ایران به‌طور مستقیم اصابت می‌کند و هیچ تلاشی برای رهگیری آن انجام نمی‌شود.

- نشریه انگلیسی میدل‌ایست آی: افسانه آسیب‌ناپذیری اسرائیل، به خاطر توهم نتانیاهو در هم شکست.

- گزارشگر BBC: در تل‌آویو با هر کس صحبت می‌کنم، آثار ناامیدی و استیصال را می‌بینم. شگفتی‌های ایران در راه است و مهمات ضد هوائی اسرائیل رو به اتمام. پدافند، خسته و مستهلک شده. اسرائیل انتظار نداشت حملات ایران این قدر گسترده باشد.

- خبرنگار سی‌ان‌ان: ترس، هرج و مرج و اضطراب، خیابان‌های تل‌آویو را پر کرده. خیابان‌ها مملو از آوار است. موشک‌های جدید ایران بسیار دقیق عمل کردند و قادر به مانور پیچیده هستند.

- گدئون لوی تحلیلگر هاآرتص: همه چیز در اسرائیل فلج شده. اقتصاد تعطیل است، به این شکل نمی‌توان زندگی کرد.

- یوسی ملمن، تحلیلگر صهیونیست: سرخوشی ما زیاد دوام نیاورد. آیا اصلاً لازم بود وارد جنگ شویم، آن هم در برابر ایرانی‌ها؟ به آمادگی آنها برای فداکاری اشاره کردم، همان‌طور که در ۸ سال جنگ فرسایشی با صدام نشان دادند.

- دنیل دیویس سرهنگ بازنشسته ارتش آمریکا: وقت آن رسیده که نیروهای خود را از سوریه و عراق خارج کنیم. به موشک‌های ایران که بدون هیچ مشکلی گنبد آهنین را سوراخ می‌کنند نگاه کنید؛ اکثر نیروهای ما حتی دفاع موشکی کمتری دارند.

- استیو بنن مشاور سابق ترامپ: دیروز واقعاً روزی وحشتناک برای مردم اسرائیل بود. این آتش‌بس بیشتر برای نجات خود اسرائیل بود. این همان بخش پنهان ماجراست. آنها وارد ماجرائی شدند که فراتر از توانشان بود. تا جایی پیش رفتند که دیگه رمقی برایشان نمونده بود.

- دونالد ترامپ: اسرائیل ضربه خیلی سختی خورد. خصوصاً در روزهای آخر، اسرائیل واقعاً ضربه سختی خورد. وای پسر، اون موشک‌های بالستیک خیلی از ساختمان‌ها رو نابود کردند.

- اوری گلدبرگ، تحلیلگر سیاسی در تل‌آویو: فکر نمی‌کنم اسرائیل واقعا بتواند در یک جنگ فرسایشی موشکی با ایران دوام بیاورد. خسارات در اسرائیل شروع به انباشته شدن کرده بود. اسرائیل وضعیت خوبی ندارد. ما توان جنگیدن با ایران را نداریم.

- سرلشکر «گیورا آیلند»، رئیس سابق شورای امنیت اسرائیل: منافع اسرائیل در پایان دادن به جنگ و تن‌دادن به آتش‌بس بود؛ ادامه جنگ به صلاح نبود.

- روزنامه واشنگتن پست: اسرائیلی‌ها از رگبار موشک‌های ایران فلج شده‌اند. با اصابت موشک‌ها، آنها در حال از دست‌دادن حس امنیت همیشگی هستند.

- روزنامه انگلیسی تایمز: اسرائیل تازه متوجه شده که دارد بیش از توانایی‌اش به جنگ با ایران کشیده می‌شود.

- روزنامه معاریو: اسرائیل برای موشک‌های ایرانی آماده نبود. ویرانی‌های به وجود آمده در طول ۱۲ روز، بی‌سابقه و بسیار زیاد است. علاوه‌بر تلفات جانی، موشک ها باعث بی‌خانمانی ده‌ها هزار نفر شدند. رگبار موشک‌های بالستیک باعث فروپاشی ساختمان‌ها و مؤسسات شد. بازسازی ویرانه‌ها، در صورت فراهم بودن شرایط، ممکن است چهار تا هشت سال طول بکشد، اما احساس امنیت به راحتی باز نخواهد گشت، اگر نگوییم که اصلاً باز نمی‌گردد.

- ایهود اولمرت نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی: موشک‌های ایرانی ترس دارد؛ نمی‌شود برنامه هسته‌ای ایران را از بین برد؛ من اگر نخست‌وزیر بودم سعی می کردم دستم را به سوی رهبر ایران دراز کنم و از ایرانی‌ها تقاضا کنم که دیگر بس است.

- روزنامه فایننشال تایمز: حملات اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای که نماد غرور ملی ایرانیان است، نتیجه کاملا معکوس داشت و به جای تضعیف حکومت، وحدت مردمی را تقویت کرد. این عملیات با هماهنگی آمریکا انجام شد، اما نتیجه، برخلاف انتظارات رقم خورد. تشدید تنش‌ها توسط اسرائیل، واکنشی قدرتمند را در ایران به همراه داشت. حمله متقابل، نقطه عطفی بود که نشان داد ایران از مقابله واهمه ندارد. ایران، تمدنی تاریخی است که از استقلال خود دفاع می کند. موج میهن‌پرستانه، ایران ۹۰ میلیونی را فرا گرفته است. نتانیاهو، با دعوت به شورش، دنبال بهره‌برداری بود، اما عواطف میهن‌پرستانه را تقویت کرد. جنگ، حمایت مردم ایران از برنامه موشک‌های بالستیک، سرکوب همدستان اسرائیل، و اشتیاق برای دستیابی به بمب هسته‌ای را افزایش داد.

- نشریه اکونومیست: اسرائیل در جنگ مستقیم با ایران شانسی برای پیروزی ندارد بلکه دچار فرسایش خواهد شد. ایران کشوری با عمق استراتژیک و وسعت جغرافیایی بسیار بالا است و نمی‌توان آن را با چند عملیات محدود، فلج کرد. اگرچه در داخل ایران نارضایتی‌هایی از شرایط اقتصادی و اجتماعی وجود دارد، اما در زمان تهدید خارجی، انسجام و همبستگی ملی حول محور نظام سیاسی شکل می‌گیرد.

- روزنامه جروزالم پست: حمله اسرائیل، همبستگی ملی ایرانیان و حمایت از جمهوری اسلامی را افزایش داد. هیچ نشانی از سستی وضعیت دیده نمی‌شود؛ کاملاً بر عکس! اقتدار نظام، افزایش یافته است. مقامات اسرائیلی اذعان کردند که حملات نه تنها باعث بی‌ثباتی یا شکاف در حکومت ایران نشده، بلکه حس همبستگی ملی را تقویت کرد. مردم ایران با وجود نارضایتی‌های احتمالی، در برابر تهدید خارجی متحد شده و خشم خود را متوجه اسرائیل کرده‌اند. مدیر برنامه ایران در مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل (INSS) گفت: تعجبی ندارد که هیچ شکافی دیده نمی‌شود و حس همبستگی ملی وجود دارد؛ مردم می‌بینند که حملات اسرائیل، منجر به کشته شدن افراد و تخریب شده است.

- پروفسور جان مرشایمر نظریه پرداز آمریکایی: ترامپ و نتانیاهو دو دروغگوی متخصص فریب توده‌های آمریکایی و اسرائیلی هستند. این دو مردم را فریب داده‌اند که ما در جنگ پیروز شدیم. نتانیاهو توان جنگ فرسایشی با ایران را نداشت و ترامپ واقعاً ترسیده بود که ایران تنگه هرمز را ببندد. وضعیت نظام ایران، از قبل جنگ به مراتب بهتر است، و این، شکستی برای اسرائیل است که می‌خواست ایران را تجزیه کند و سیاستش «تفرقه بینداز و حکومت کن» است. عمدتاً اسرائیلی‌ها دنبال آتش‌بس بودند.

- دکتر رزیمات، رئیس میز ایران و محور شیعه در مؤسسه مطالعات امنیت ملی رژیم (INSS): ما شاهد یک انسجام و یکپارچگی داخلی هستیم؛ اتحاد ملی در بین ایرانی‌ها وقتی که حمله اسرائیل را دیدند بیشتر و عمیق‌تر شد. در حال حاضر بخش بزرگی از مردم ایران خشم خود را متوجه اسرائیل کرده‌اند.

- یوسف حدّاد، خبرنگار کانال ۱۲ اسرائیل: ما نتوانستیم ایران را شکست دهیم و تاوان آن را هم در آینده خواهیم پرداخت؛ اکنون جهان عرب از موفقیت ایران حس پیروزی دارند.

کیهان بررسی کرد

۱۱۰۰ شهید نتیجه اصرار بر مذاکره!

سرویس سیاسی-

۱۲ روز جنگ تحمیلی، ۱۱۰۰ شهید و سرداران و دانشمندان و مردم به خون خفته، این‌ها در سایه اشتباه تاریخی اصرار بر مذاکره با شیطان بزرگی رخ داد که در کاخ سفید به جنایات اسرائیل آفرین گفت و از ویرانی تأسیسات ایران با افتخار یاد کرد. آیا هنوز هم می‌توان چشم امید به مذاکره با قاتلان بست؟!

دشمن اگر در ساعات بامداد روز ۲۳ خرداد جسارت حمله پیدا کرد، این جسارت نه از سر اعتماد به قدرت خود، بلکه ناشی از ادراک ضعف از داخل کشورمان به‌واسطه مواضع افراد و جریانات غربگرا بود. در حالی‌که صهیونیست‌ها به‌دنبال فرصتی برای ضربه بودند و آمریکا تحریم‌ها را پله‌پله تشدید می‌کرد، برخی در داخل با تفسیرهای وارونه از مفاهیم دیپلماسی و امنیت، مدام از ضرورت مذاکره با آمریکا سخن گفتند و سعی بر تحمیل خطای استراتژیک با برچسب «واقع‌اندیشی» به نظام داشتند.

این در حالی است که علم روابط بین‌الملل درست در نقطه مقابل این تحلیل، دوگانه رفتار چمبرلین و چرچیل در مقابل هیتلر را به تمام تحلیلگران گوشزد می‌کند. رفتار چمبرلین نخست‌وزیر اسبق انگلستان و «فتح الفتوح برجام مانند» وی یعنی توافق مونیخ با آلمان نازی منجر به جسارت بیشتر هیتلر در برابر انگلستان شد و درست در نقطه مقابل چرچیل انگلستان را از هرگونه عقب‌نشینی در برابر هیلتر برحذر داشته و از این رهگذر این کشور را از سیاه چاله جنگ جهانی دوم بیرون کشید.

جنگ ۱۲ روزه اخیر، تنها یک تقابل نظامی نبود؛ برخورد تقابل دو تفکر بود: تفکر مقاومت و قدرت، در برابر تفکر وادادگی و امید به دشمن. حمله بی‌سابقه به تاسیسات هسته‌ای، ترور فرماندهان و دانشمندان، و شهادت ۱۱۰۰ تن از نخبگان و مردم مظلوم و کودکان و زنان ایرانی، نتیجه نه فقط دشمنی آشکار صهیونیسم، بلکه حاصل رخنه همان جریانی بود که سال‌هاست نسخه انفعال و تسلیم را در زرورق مذاکره عرضه می‌کند.

جنگی که از اصرار بر مذاکره زاده شد

در شرایطی که قریب به دو ماه مذاکرات غیرمستقیم میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده در کشورهای واسط جریان داشت، صهیونیست‌ها در ساعت صفر روز ۲۳ خرداد، با هماهنگی کامل آمریکا و در حالی که ایران مهیا دور جدید مذاکرات با آمریکا می‌شد، با حمله‌ای گسترده به تاسیسات هسته‌ای ایران، ترور فرماندهان ارشد نظامی و دانشمندان هسته‌ای کشور، جنگی ۱۲ روزه را بر ملت ما تحمیل کردند.

هرچند این نبرد با شکست مفتضحانه دشمن و التماس صهیونیست‌ها برای آتش‌بس به پایان رسید، اما نتیجه‌ای تلخ و خونین برای ملت ایران برجای گذاشت: ۱۱۰۰ شهید مظلوم، خسارات به زیرساخت‌های هسته‌ای کشور و روشن شدن چهره واقعی طرف آمریکایی که با همدستی رژیم جنایتکار صهیونیستی، برای آنانی که میخواهند بفهمند آخرین میخ را بر تابوت دیپلماسی زد.

این حمله، نه نشانه قدرت دشمن بلکه نتیجه تحلیل اشتباه برخی مشاوران غربگرا در داخل بود که هشدارهای مکرر نسبت به ماهیت فریبکارانه مذاکره با آمریکا را نادیده گرفتند. کسانی که علی‌رغم تجربه تلخ برجام، هنوز هم فکر می‌کردند می‌توان بین ترامپ و نتانیاهو تفاوت قائل شد و میان آنان خطی فرضی کشید.

نتیجه؟ دشمنی که باید در لاک دفاعی باشد، با محاسبه غلط خود که ناشی از ارسال پالس ضعف از داخل کشور بود، جسور شد؛ اما این جسارت، دوام نداشت. تنها چند روز کافی بود تا آسمان تل‌آویو از صدای آژیر، خواب را بر اشغالگران حرام کند و انبارهای راهبردی ارتش صهیونیستی در آتش بسوزد. صهیونیست‌ها، در همان حال که از «دستاورد» می‌گفتند، در میدانی به وسعت سرزمین‌های اشغالی، یکی پس از دیگری ضربه خوردند.

نبرد ۱۲ روزه نشان داد که ایران، حتی در اوج مذاکره هم از پاسخ نظامی و مقابله تمام‌عیار ابایی ندارد. اگر دشمن فکر کرده بود با چند جمله از ترامپ یا لبخند نتانیاهو می‌تواند اراده جمهوری اسلامی را بشکند، پاسخ موشک‌های نقطه‌زن و پهپادهای انتحاری نشان داد که امنیت ایران نه با تعارف، بلکه با قدرت تأمین می‌شود.

اکنون این سؤال پیش روی ملت و نخبگان است: چرا با وجود این همه تجربه، برخی هنوز چشم به در کاخ سفید دارند؟! چرا به‌جای اتکا به ظرفیت ملی و قدرت بازدارندگی، دل به تصویری خیالی از دشمنی بسته‌اند که در کاخ سفید، عملیات ترور فرماندهان ما را موفقیت می‌نامد و از تخریب تاسیسات‌مان ابراز رضایت می‌کند؟!

اصرار بر مذاکره‌ای که نتیجه‌اش شهادت نخبگان ما باشد، دیگر نامش دیپلماسی نیست؛ بلکه شراکت ناخواسته در جنایت دشمن علیه ایران است.

کاخ سفید؛ اتاق فرمان ترور و تجاوز

تنها چندین روز پس از اعلام آتش‌بس و شکست صهیونیست‌ها در برابر نبرد قهرمانانه دلاورمردان نیروهای مسلح ایران، دیداری معنادار در واشنگتن رخ داد. بامداد سه‌شنبه ۱۷ تیرماه ۱۴۰۴، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، در کاخ سفید دیدار کردند.

ترامپ، در اظهاراتی که عملاً مهر تأییدی بر نقش مستقیم واشنگتن در این جنایت تاریخی بود، گفت: «بی‌بی(نتانیاهو) یکی از دوستان نزدیک من است... کارهای بسیاری انجام دادیم و نتایج بسیار خوبی به‌دست آوردیم!»

وی در اظهاراتی آشکارا تهدیدآمیز درباره ایران مدعی شد: «تأسیسات هسته‌ای ایران کاملاً نابود شده است...ایران خواستار مذاکره است و شاید توافقی امضا کنیم!»

نتانیاهو نیز با اعتراف به ناتوانی اسرائیل در برابر ایران، آشکارا از نقش آمریکا در این جنگ سخن گفت: «با کمک آمریکا دستاوردهای بسیاری داشتیم... ایران به‌دنبال ساخت ۲۰ هزار موشک بود...اسرائیل نمی‌تواند با چنین توانایی و قدرتی، مقابله کند.»

کیهان؛ هشدار داده بود

در حالی که دولت چهاردهم در سایه نفوذ و حضور برخی افراد نابلد و ناآگاه و زاویه‌دار، دور کردن سایه جنگ را در پیگیری اصرار بر مذاکره دید، کیهان در ماه‌های اخیر بارها و بارها در گزارش‌های تحلیلی، هشدار داده بود که مذاکره در شرایطی که طرف مقابل حتی به توقف تحریم‌ها نیز رضایت نمی‌دهد، صرفاً ارسال پالس ضعف به دشمن است.

کیهان در عین حال، با وجود این نگرانی‌ها، از حمایت تحلیلی و رسانه‌ای برای تقویت موقعیت تیم مذاکره‌کننده دریغ نکرد و با هشدارهای راهبردی و مستند، علاوه‌بر پرکردن دست مذاکره کنندگان، کوشید تا از تکرار مسیر اشتباه دولت یازدهم و دوازدهم توسط دولت چهاردهم جلوگیری کند.

برخلاف آنچه در مواضع برخی اعضای دولت چهاردهم دیده شد، کیهان بارها تأکید کرد که ترامپ و نتانیاهو، دو بال یک سیاست واحدند و هر دو مأمور اجرای یک راهبرد مشترک برای تضعیف ایرانند، نه دو رقیب یا مخالف با تاکتیک‌های متفاوت.

با این حال، اشتباه فاحش تفکیک میان این دو، حتی در مصاحبه اخیر رئیس‌جمهور با تاکر کارلسون نیز مشاهده شد؛ آنجا که تلاش شد تصویری نرم‌تر از ترامپ ارائه شود و امیدی واهی به تغییر در رویکرد وی القا گردد.

این در شرایطی است که رئیس‌جمهور محترم مسلما چنین عقیده‌ای نداشته و در سایه حضور و نقش‌آفرینی برخی مشاوران پر مدعی، نابلد و بی‌سواد نسبت به علم روابط بین‌الملل در دولت، ناخواسته چنین پیام ضعفی را مخابره کرد.

شعار مذاکره؛ نتیجه جنگ

دولت چهاردهم در حالی مدعی دور کردن سایه جنگ از کشور شد که حاصل اصرار آن به مذاکره با آمریکا در دوره‌ای که ترامپ نه تنها هیچ حسن‌نیتی از خود نشان نداد بلکه در هر گام بر شدت تحریم‌ها افزود، چیزی جز جنگی ۱۲ روزه و شهادت صدها نخبه نظامی و علمی کشورمان نبود.

دشمن، پالس ضعف را دریافت و نتیجه‌اش را با حمله مستقیم نشان داد. این سیاست، نه بازدارندگی ایجاد کرد و نه تهدید را رفع نمود؛ بلکه مسیر را برای حمله هموار کرد.

اما این مسیر نه از دولت، بلکه از اتاق فکر همان‌هایی آغاز شد که سال‌هاست با عنوان «کارشناس روابط بین‌الملل» و «مشاور سیاست خارجی»، اقتصاددان توسعه و... در مراکز تصمیم‌سازی رخنه کرده‌اند و در عمل چیزی جز بازتولید نسخه‌های پوسیده غربی ارائه نکرده‌اند.

کسانی که سال‌هاست با نادیده‌گرفتن منطق قدرت و اصول بنیادین علم روابط بین‌الملل، به جای بازدارندگی، نسخه عقب‌نشینی را پیچیده‌اند. همان‌هایی که همواره امنیت را نه در تقویت توان دفاعی، بلکه در «دل‌بردن از دشمن» جست‌وجو کرده‌اند و هر بار که دشمن لبخند زده، با ذوق‌زدگی آن را «پالس مثبت» تعبیر کرده‌اند!

این طیف خاص، که در بزنگاه‌های حساس سعی در تأثیرگذاری بر بدنه تصمیم‌گیر داشته‌اند، امروز نیز دست از تزریق تفکرات شکست‌خورده خود برنداشته‌اند. آن‌ها با عناوین پرطمطراق، خود را «مرجع تحلیل» جا زده‌اند، اما کوچک‌ترین فهمی از رفتارشناسی نظام بین‌الملل ندارند.

نسخه‌نویسی برای شکست؛ نه حکمرانی!

در همین راستا و در کنار این به اصطلاح تحلیلگران خود دانشمند پندار، ۱۸۰ نفر از افرادی که خود را اقتصاددان و استاد دانشگاه معرفی کرده‌اند با انتشار بیانیه‌ای خطاب به مسعود پزشکیان، به ادعای خود، خواستار تغییر پارادایم حاکم بر نظام حکمرانی برای برون‌رفت از بحران کنونی شدند. در بخشی از این بیانیه آمده است:«توصیه موکد ما آن است که برای خروج از شرایط به‌وجود آمده، مسیر دیپلماسی و مذاکره سازنده با آمریکا و اروپا فعال شود و از بروز مجدد جنگ و تداوم اعمال فشارهای اقتصادی جلوگیری شود.»

در حالی‌که صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها، سیاست گام‌به‌گام فشار را با جنگ شناختی و تحریم‌های ترکیبی دنبال می‌کردند، اینان در داخل، تلاش می‌کردند تا مذاکره را تنها گزینه قابل دفاع جلوه دهند. نتیجه آن شد که دشمن از بیرون می‌کوبد و آن‌ها از درون، خاکریز مقاومت را تحلیل می‌برند.

نکته تأسف‌بار اینجاست که این جریان، با توسل به ابزار رسانه، محافل سیاسی، لابی‌گری در مراکز تصمیم‌سازی و نفوذ در بدنه تحلیل‌گران، سعی در شکل‌دهی ذهنیت معیوب نسبت به اصل «مذاکره با آمریکا» دارد؛ گویی نه جنگ ۱۲ روزه رخ داده و نه ۱۱۰۰ نفر به خون خفته‌اند و نه ترامپ با وقاحت از «موفقیت در نابودی تاسیسات ایران» سخن گفته است.

حقیقت تلخ این است که این جماعت، بقای فکری و نقش‌آفرینی خود را در تداوم این خطای استراتژیک می‌بینند؛ هر چه واقعیت خشن‌تر، تحلیل‌شان نرم‌تر! آن‌ها چشم بر انفجارها بستند و هنوز هم با سماجتی عجیب، دنبال القای این توهم‌اند که می‌توان از دل آتش، صلح بیرون کشید!

اکنون پرسش این نیست که چرا دشمن حمله کرد؛ پرسش این است که چه کسانی با روایت‌سازی‌های انحرافی، فضا را برای دشمن مساعد کردند؟ چه کسانی از تریبون‌های رسمی، نرمش در برابر آمریکا را به‌عنوان واقع‌بینی معرفی کردند؟ و چرا امروز نیز، با وجود شهادت صدها نفر از فرزندان این ملت، باز هم دست از بزک چهره قاتل برنداشته‌اند؟

جریان نفوذی غرب‌گرا، مأمور توقف نبرد نیست؛ مأمور انحراف جبهه است. هدفشان نه صلح، بلکه بازکردن راه برای تسلط بی‌هزینه دشمن است.

این جریان که متاسفانه در دولت یازدهم و دوازدهم موفق به اجرای نظرات خود در آن دولت شدند اکنون نیز همچون موریانه با الفاظ شیک، در حال پوساندن ریشه‌های قدرت ملی‌اند.

روند جاری از دولت یازدهم آغاز شد و ذخایر قدرت کشور به پای «اعتمادسازی» ریخته شد. البته این روند در دولت شهید رئیسی متوقف شد.

عدم توجه و استفاده از ظرفیت تغییرات نظام بین‌الملل و تحول در جبهه‌های قدرت جهانی، انفعال در مواضع، اصرار بر مذاکره با دشمنی که حتی حاضر به احترام ظاهری هم نبود، نتیجه‌اش آن شد که امروز رژیم صهیونیستی با جسارت، دانشمندان ما را ترور و تاسیسات ما را هدف قرار می‌دهد.

کسانی که نان مذاکره را می‌خورند...

واقعیت تلخ آن است که برخی «تحلیلگران»، «اساتید روابط بین‌الملل» و باندهای فکری نزدیک به غرب، حیات سیاسی خود را در تداوم مسیر غلط مذاکره با آمریکا می‌دانند.

آن‌ها علی‌رغم مشاهده شکست این مسیر، و حتی پس از تحمیل جنگی خونین، هنوز هم با وقاحت سخن از «فرصت مذاکره» می‌زنند؛ بی‌توجه به خون ۱۱۰۰ شهیدی که قربانی همین سیاست غلط شدند.

خون شهیدان
سند بطلان اصرار بر مذاکره با ترامپ

اکنون که دشمن در کاخ سفید با افتخار از ویرانی ایران سخن می‌گوید و اکنون که دانشمندان ما را در خانه خود ترور می‌کنند، آیا کسی هنوز هم می‌تواند مدعی شود که مذاکره با ترامپ می‌تواند توسعه نه حتی امنیت بیاورد؟

اصرار بر این مسیر اشتباه، خیانت به خون ۱۱۰۰ شهید جنگ ۱۲ روزه است. اگر همچنان فریب لبخندهای رنگ‌ولعاب‌دار و تحلیل‌های ظاهرالصلاح خورده شود، اگر از صدای بلند اما بی‌پشتوانه برخی مدعیان بیسواد نسبت «علم روابط بین‌الملل» متأثر شویم، باید خود را برای دور جدیدی از هزینه‌های سنگین‌تر آماده کنیم.

مسئله، امروز دیگر فقط اشتباه در تحلیل نیست، بلکه تداوم نفوذ تفکری است که خود را دلسوز کشور جا می‌زند اما در عمل به نفع دشمن عمل می‌کند. این طیف، برخلاف ادعایشان، نه کوچک‌ترین شناختی از علم روابط بین‌الملل دارند، نه فهم قدرت دارند، نه درک میدان، نه تجربه مواجهه با دشمن. آنان فقط در اتاق‌های فکر وارداتی، چند اصطلاح تکراری آموخته‌اند و حالا آن را نسخه نجات کشور جا می‌زنند.

اینان با عناوینی چون «کارشناس امنیت بین‌الملل»، «تحلیلگر راهبردی» یا «دیپلمات سابق»، در تلاش‌اند تا سطر به سطر تجربه‌های پرهزینه ملت ایران را وارونه جلوه دهند و ذیل شعارهای فریبنده‌ای چون «واقع‌گرایی سیاسی»، همان نسخه‌ای را به دولت تحمیل کنند که از یک دهه قبل، کشور را به لبه پرتگاه کشاند.

بیش از آن‌که نگران مواضع و رجزخوانی‌های دشمن باشیم، باید نگران نفوذ این جریان در لایه‌های تحلیلی و تصمیم‌سازی باشیم. آن‌ها هدف‌شان القای این دروغ خطرناک است که مسیر امنیت، از دل لبخند آمریکا عبور می‌کند. و این در حالی است که همین آمریکا، امروز از طریق زبان ترامپ، با صراحت می‌گوید «تأسیسات ایران نابود شده»، «موفقیت‌های بزرگی به‌دست آوردیم» و «اگر مذاکره نکنند، آماده‌ایم».

کدام عقل سیاسی می‌تواند با چنین دشمنی بر سر یک میز بنشیند و نام آن را دیپلماسی بگذارد؟!

حقیقت این است که امروز اگر هم خطایی در سطح دولت دیده می‌شود، ریشه‌اش در صدای رسایی است که توسط همین جریان کم‌سواد و پرمدعا در اطراف دولت پژواک پیدا کرده است. این‌ها همان‌هایی هستند که نه حاضر به درس گرفتن از تجربه برجام‌اند، نه تحریم‌های هوشمند را می‌فهمند، و نه می‌خواهند بپذیرند که سیاست خارجی در جهان امروز، امتداد قدرت سخت و اراده ملی است؛ نه گفت‌وگوی یکطرفه با دشمنی که حاضر به کوچک‌ترین حسن‌نیتی نیست!

اگر این حلقه‌های فکری و رسانه‌ای، از دایره مشورت‌سازی کنار گذاشته نشوند، نه‌تنها خطر تحلیل غلط تکرار خواهد شد، بلکه خونی که به‌ناحق از فرزندان ایران بر زمین ریخته شده، پایمال خواهد شد.

ایران پیروز جنگ بود، اما بهای این پیروزی خون عزیزترین فرزندان این ملت بود. این خون‌ها نه برای آن ریخته شد که دوباره به آغوش مذاکره با قاتلان بازگردیم. این شهدای سرافراز، نه «هزینه مذاکره»، بلکه قربانیان خوش‌بینی ساده‌لوحانه و اصرار به مذاکره با دشمنی بودند که هرگز تغییر نکرده بود و نخواهد کرد.

حالا وقت آن است که به‌جای تکرار مسیر خطا، با صراحت، صلابت، و اتکا به قدرت ملی، دشمن را از هرگونه اقدام بعدی پشیمان کنیم.

استقبال گسترده مردم از قطعه مداحی «ای ایران» رسانه‌های معاند را آشفته کرد

واکنش رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور به نمادهای ملی همچون مداحی «ای ایران»، حاکی از آن است که مخالفان جمهوری اسلامی نسبت به این مسئله شدیداً نگران هستند.

در شب عاشورای حسینی حضور رهبر معظم انقلاب در حسینیه امام خمینی(ره) بسیاری از افراد و گروه‌ها ازجمله رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور را حیرت‌زده کرد؛ در همین مراسم، محمود کریمی، مداح اهل بیت هنگام مداحی عنوان کرد که «ای ایران» را بنا به فرموده رهبر انقلاب می‌خواند. در این میان، جریان ضدانقلاب در رسانه‌های خود، ادعا کردند که اهمیت دادن به هویت ملی در حاکمیت، یک پدیده جدید است و آن را چرخش نظام از امت‌گرایی به ملت‌گرایی توصیف کردند.

در کنار این مسئله، قطعه مداحی «ای ایران» در محرم امسال، با استقبال گسترده مردم مواجه شد. این مسئله، رسانه‌های معاند را آشفته و پریشان کرد.

در همین رابطه، شبکه اینترنشنال